

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

این بار مجسمه آزادی از شرم فرو میفتند!

سفر اخیر نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل به امریکا و دیدار با باراک اوباما رئیس جمهور این کشور یک بار دیگر موضوع حساس، پیچیده و مخاطره آمیز در منطقه خاورمیانه را در صدر اخبار جهان قرار داد. بسیاری از رسانه ها و محافل سیاسی غربی مذاکرات نتانیاهو و باراک اوباما را به ویژه در رابطه با آماده ساختن اسرائیل و فلسطین برای از سرگیری مذاکرات صلح خاورمیانه مفید ارزیابی نموده اند. برخی هم به این اعتقادند که این مذاکرات دست آورد ویا نتیجه ای را دربر نداشته و دورنمای آغاز مجدد روند مذاکرات صلح خاورمیانه هنوز هم تاریک و مبهم است. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین از کسانی است که این مذاکرات را با ارزیابی دوگانه، هم امیدوار کننده خواند و هم مایوس کننده.

این ارزیابی آنگونه که صحبت های دو طرف مورد تحلیل قرار گرفت دقیق ترین ارزیابی است که از این مذاکرات میتوان نمود. زیرا اوباما با آشنائی دقیق با اوضاع شکننده و خطرناک منطقه و هم شناخت ریشه بسیاری از مشکلات امریکا در جهان، به ویژه اعتبار رو به کاهش این کشور در جهان اسلام، اگر چه ادامه وضعیت کنونی در منطقه و وجود اسرائیل مجهز با سلاح های اتمی، زورگو و بی اعتناء به تمام قوانین بین المللی هم از بسا جهات به سود این کشور است - مثل خط کردن آب و ماهی گرفتن را حتماً شنیده ائید -، و با درک این واقعیت، مانند اتحادیه اروپا، که تا سرزمین و تشکیلات خودگردان فلسطین به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخته نشود هیچ تلاشی برای برقراری صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه به نتیجه نخواهد رسید، میخواهد اختلافات فلسطینی ها و اسرائیلی ها را، بدون اینکه اسرائیلیها را کنار بزند یا منافع آنها را فدای این بازی کند، حل کند. آن گونه که ملک عبدالله پادشاه اردن در یک مصاحبه اظهار داشت او نیز به این اعتقاد است که باراک اوباما به راه حلی که منتج به ایجاد کشور مستقل فلسطین گردد، موافق است.

و مایوس کننده از آن جهت که اسرائیل با همان سرسختی و قاطعیت همیشگی بر مواضع اتخاذ شده قبلی خویش پا می فشارد و از قبول راه حل و صلحی که منتج به بوجود آمدن دو کشور مستقل - اسرائیل و فلسطین - گردد، امتناع میورزد.

اسرائیل گذشته از این حاضر نیست به مهاجرین فلسطینی که به یک روایت به پنج میلیون فلسطینی میرسد اجازه برگشت به فلسطین را بدهد.

مسأله دیگری که اسرائیلیها حاضر به پذیرش آن نیستند و قاطعانه آنرا رد میکنند موضوع استرداد بخش شرقی بیت المقدس به فلسطینی ها است. اسرائیلی ها در سال ۱۹۶۷ بخش شرقی شهر بیت المقدس را از خاک اردن جدا کردند و در نظر دارند تمامی این شهر را به پایتخت اسرائیل تبدیل کنند. در حالیکه فلسطینی ها میخواهند این بخش را پایتخت کشور مستقل فلسطین بسازند. بازگشت مهاجرین فلسطینی به فلسطین و موضوع برگرداندن بخش شرقی بیت المقدس به پایتخت فلسطین دو مورد از موارد اختلاف دوطرف هستند که اسرائیل بهیچ وجه حاضر به قبول آن نیست.

موضوع دیگری که مورد مذاکره دو طرف امریکا و اسرائیل قرار گرفت قطع اعمار شهرکها در سرزمین های اشغالی فلسطین از جانب اسرائیل بود. یکی از اهداف اسرائیل، به ویژه با اعمار شهرکی برای در حدود هشتاد هزار باشند در اطراف بخش شرقی بیت المقدس اینست که اسرائیلی ها با این کار و با به وجود آوردن شهرک یهودی نشین میان بخش شرقی بیت المقدس و نواحی که به فلسطینی ها تعلق داشتند میخواهند بخش شرقی شهر بیت المقدس را عملاً و برای همیشه از آن نواحی جدا کنند.

اسرائیل در سال ۲۰۰۳، بعد از آن که پلانی بنام " نقشه راه " برای حل مشکل فلسطین مطرح شد، تعهد نمود که از اعمار شهرک و استقرار یهودیان به بخش شرقی بیت المقدس خود داری میکند، ولی باوجود این تعهد به اعمار شهرک در اطراف این منطقه و اسکان یهودیان در آن، تا امروز، ادامه داده است.

اعمار شهرک ها در خاک های اشغالی از جانب اسرائیل، اگرچه همواره مورد اعتراض جهانیان بوده است، اما بدون اینکه اسرائیل به افکار عمومی جهان وقعی بگذارد، کماکان ادامه میدهد.

اختلافات فلسطینیان با اسرائیل شاید، مانند اختلافات هندوستان و پاکستان بر سر کشمیر و اختلافات افغانستان و پاکستان بر سر نواحی آنطرف خط نام نهاد و تحمیلی دیورند یکی از دراز عمرترین اختلافاتی باشد که شبیه همه اختلافات ناشی از دوران و لطف استعمار انگلیس و غرب انسانگرا و متمدن می باشد. اختلافی که میان سرزمین های نو پیدا قسداً - غالباً در آسیا - به وجود آمده است و باعث به هرز رفتن وقت، توان انسانی و توان مالی و هزار مشکل دیگر برای این کشورها از یک سو و فراهم شدن زمینه مداخله کشورهای قدرتمند غربی را - هر زمانی که سود شان ایجاب کند - در امور داخلی این کشورها از سوی دیگر فراهم می کند.

فلسطین در دوران امپراتوری عثمانی جزئی از سر زمین خلافت عثمانی بود. بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی قیمومیت فلسطین از جانب جامعه ملل به بریتانیا واگذار شد. بریتانیا خلاف تقاضا های مکرر و تلاش های خستگی ناپذیر و مستمر فلسطینی ها، از آن جا که قرار بر آن بود که فلسطین باید اولین کشوری باشد که در منطقه به عنوان یک کشور مستقل به آزادی دست پیدا کند، نه به عنوان یک کشور مستقل، که بر اساس فیصله نامه ۱۸۱ ملل متحد به دو بخش یهودی و عربی تقسیم گردید و قسمت بیشتر آن باوجود جمعیت کمتر اسرائیل به یهودی ها داده شد. این عمل غیر عادلانه و غیر منصفانه اعتراض تمام کشورهای عربی منطقه و سائر کشورهای اسلامی را برانگیخت. این اعتراض تا امروز وجود دارد و نمونه آشکار آن به رسمیت نشناختن اسرائیل از جانب پنجاه و پنج یا پنجاه و چهار کشور اسلامی از جمله پنجاه و هفت یا پنجاه و هشت کشور اسلامی در جهان است.

امریکا باید اینگونه ملاحظات را جدأ در نظر داشته باشد. وقتی وزیر خارجه مصر باوجود تیرگی روابط میان مصر و ایران، اسرائیل را خطری برای ایران می خواند باید امریکا شدت تنفر اعراب و جهان اسلام از اسرائیل را، که منشأ آن سالها بیداد و ستم و زورگویی اسرائیل به پشتیبانی امریکا به مردم بینوای فلسطین است، تخمین بزند.

مشکل دیگر، مشکل افراط گرایی اسلامی و تروریسم در جهان است. یکی از عوامل اصلی و مهم به وجود آمدن حرکت های افراط گرایی اسلامی و گروه های تروریستی در جهان کله شخی، بی اعتنائی و موضع گیری قلدر مآبانه اسرائیل در برابر حقوق فلسطینی ها و دیگر کشورهای همسایه عربی آنکشور و حمایت غیر منصفانه و بی دریغ امریکا از اسرائیل در برابر فلسطینی ها میباشد.

علت نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین نفرت مردم این کشورها از اسرائیل - و از امریکا به عنوان حامی اسرائیل - که مولود بیداد و زورگویی اسرائیل بوده، میباشد.

اشغال بلندی های گولان سبب شده است که ایران برسیاست خارجی کشور سوریه اعمال نفوذ کرده مشکلات در روند مذاکرات صلح خاورمیانه ایجاد کند.

اوباما باید دانسته باشد که اعراب، همچنین مسلمانان جهان از حرف و وعده و برنامه و پلان و نقشه های بیحاصل و... خسته شده اند. آنچه فلسطینیان، اعراب، مسلمانان جهان، و جوامع ضد جنگ و طرفدار صلح از امریکا و اروپا انتظار دارند عمل یک داور بی طرف و منصف و عادل است. ما فکر نمی کنیم که اروپا و امریکا، در مجموع جهان، آن قدر ساده لوح باشند - اگر نگویم آنقدر کور و احمق باشند - که نتوانند فرق گناهکار و بیگناه یا ظالم و مظلوم را بکنند.

مشکل فلسطین و اسرائیل تنها از مواضع اسرائیل و فلسطین ناشی می شود و ریشه در آرزو ها و امیال و خواست های دو ملت دارد و حل آن هم باید به همین دو کشور و نقطه نظر های این دو کشور متعلق باشد. البته اگر تمام کشورهای آنی که با اسرائیل مشکل بلاواسطه دارند، مانند لبنان، سوریه، اردن و مصر یکجا با اسرائیل و فلسطین - با حسن نیت از قبل ایجاد شده - بر سر یک میز مذاکره گرد آورده شوند و غرب منحیث یک کل به عنوان نظارت کننده بیطرف و واقعاً عادل، با اختیارات لازم اجرائی از جانب شورای امنیت مؤسسه ملل متحد بر مذاکرات نظارت داشته باشد و در قبال توافقات حاصله میان تمام این کشورها مسؤولیت اجرای توافقات را برعهده بگیرند، یقیناً این معضله و تمام معضلات ناشی از آن حل خواهد شد.

بلندی های گولان باید به سوریه مسترد شود. بدون برگرداندن بلندیهای گولان به سوریه هر صلحی که به وجود بیاید دوامدار نخواهد بود. مداخلات ایران در لبنان، فلسطین، عراق و اعمال نفوذ این کشور بر سوریه زمانی از بین خواهند رفت که مشکل این کشورها با اسرائیل حل گردد. انتظار حل کشیدگی میان اسرائیل و سوریه یا سوریه و غرب و امریکا تا زمانی که بلندیهای گولان در تصرف اسرائیل هستند و غرب، در کل، از اسرائیل بدون اما و اگر پشتیبانی میکند، یقیناً انتظار خوشباورانه خواهد بود.

مسأله برنامه اتمی ایران یک موضوع کاملاً جدا از موضوع اسرائیل و فلسطین است. ربط دادن این مسأله با مسأله فلسطین بهانه ایست برای گریز اسرائیل از پذیرفتن مسؤولیت های این کشور در برابر قواعد و قوانین بین المللی و ندای انسانیت و نادیده گرفتن حق مسلم یک ملت.

در برابر چنین تضمینی، اعراب باید موجودیت اسرائیل، موجودیت یک کشور یهودی را در مرزهای تعیین شده آن - در موقعی که اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین به توافق میرسند و مرز های این دو به شکلی نهانی تعیین میگردد، به رسمیت بشناسند و تعهد نمایند که به استقلال و حاکمیت آن کشور احترام میگذارند. اگر شرط اسرائیل برای ایجاد صلح و کشور مستقل فلسطین همین است، بگذارید این شرط اسرائیل بر آورده گردد. فلسطین باید عملاً به جهان نشان بدهد که خواهان صلح در جهان و همزیستی با اسرائیل یا هر کشور دیگری است.

حذف، یا نابودی هیچ کشوری امروز در جهان، نه ممکن است و نه برای جهانیان قابل تحمل. این موضوع را باید هم اسرائیل و هم فلسطین در نظر داشته باشند. بنابراین:

هر دو کشور برای دست یافتن به یک صلح واقعی و دایمی و برای رفع سایه های بی اعتمادی باید اعتماد کردن به یک دیگر و در کنار یک دیگر زندگی کردن را تمرین کنند. بگذارید ببینیم یک سال اعتماد چه دست آورد هائی را به ارمغان خواهد آورد. از ۶۱ سال بی اعتمادی که هیچ چیزی جز نفرت و جنگ و خسارات مالی و جانی و اشک و خون و ویرانی و نفرت و لعنت به دست نیامد.

از آقای اوباما تقاضا این است که اگر واقعاً خواهان رفع این مشکل هستید، به جائیکه از نتانیاهو خواهش میکنید که " از این فرصت تاریخی برای بخشیدن تحرک جدی در زمینه ایجاد کشور فلسطینی استفاده کند " خود به عنوان کسی که همه انتظار ها و همه چشم ها به او دوخته شده است، از این فرصت تاریخی برای بخشیدن تحرک جدی در جهت ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی چرا استفاده نمیکنند؟ اسرائیلی ها امتحان خویش را داده اند!

اگر حل این قضیه به اسرائیل محول گردد، مطمئن باشید که اسرائیل آنرا تا ابد حل نخواهد کرد و مشکل همچنان باقی خواهد ماند؛ تا به جنگی دیگری منتج شود. و این جنگ مسلماً جنگی خواهد بود که هم ابعاد آن بسیار گسترده تر از جنگهای قبلی خواهد بود و هم خرابی ها و تلفات جانی و مالی و ... آن!

ما باید استعداد تعیین حدود حوصله انسان ها را داشته باشیم؛ و حد و مرز ثقلت و تحمل قضایا را تشخیص دهیم. زمان میگذرد و گذشن زمان مشکلات را هر چه بیشتر پیچیده میسازد. این سه مسأله قابل تأمل است!

اگر حماس میگوید که امریکائی ها بر خوردی برابر با اسرائیلی ها و فلسطینی ها ندارد، چرا این حرف را قبول نمیکنیم؟ بنیادگرا بودن حماس دلیل نمیشود که واقعیتهای آشکاری را که عینیت دارند باور نه کنیم! اگر امریکائیها نسبت به امنیت اسرائیل تعهد سپرده اند، جهان کاری با این تعهد ندارد، اما این تعهد باید تعهد کر و کور و دیوانه نباشد که دشمن چماقی به دستش داده و برای کشتن خصم تحریکش می کند. این تعهد باید تعهد یک قاضی عادل باشد؛ تعهدی کسی باشد که همیشه این اصل را در نظر دارد که: در صورتی که ... نه در هر حالتی که!

انتظار ما از اوباما یک پیام روشن، یک گام استوار، یک تصمیم منصفانه و یک حرکت انسانی است. وضع فلسطینیها بسیار رقت بار تر از آن است که بیشتر از این آنرا نادیده بگیریم. دنیای آشفته و پرتنش موجود ما - تا حدودی زیادی - تنها با موضع گیری عادلانه امریکا - اسرائیل بدون پشتیبانی غرب هیچ غلطی کرده نمیتواند - به دنیای دیگری تبدیل خواهد شد. هیچوقت خون را با خون نشسته اند! این مثل را نباید آقای اوباما نادیده بگیرد! لطفاً یک کاری در راستای مشکل فلسطینیها که حال به مشکل جهان تبدیل شده است بکنید. نشود که روزی، مانند بت های بامیان، مجسمه ای به نام "مجسمه آزادی" با آن مشعلش از " شرم " فرو بغلتد!!